

Central Asian Governments Approaches to Extremism (Case Study of Hizb ut-Tahrir)

Abstract

Hizb ut-Tahrir as a transnational Islamic movement, aims to unify Muslims worldwide under a single Caliphate and they consider Muslim Countries as the priority. Since the majority of the population of the five Central Asian Republics, are Muslim states, HT is playing an important and active role in the region. The study focuses on the approaches of those five Central Asian republics to Hizb ut-Tahrir. The article shows what policies have used to control this social movement among people in those countries. The question of this research is what are the approaches of Central Asian Republics to Hizb ut-Tahrir in their policies? Hizb ut-tahrir plays a significant role in expanding the extremism inside the republics and whole region. The main purpose is to identify the policies of the five countries in the region. The authors tries to fill this scientific gap by considering the lack of previous research on the subject and the importance of the issue. The research is a comparative study with the descriptive-analytical approach and the method of data collection is library and Internet resources.

Key words: Central Asia, Hizb ut-Tahrir, Extremism, Political party, Islamic party

رویکرد دولت‌های آسیای مرکزی نسبت به گروه‌های افراط‌گرای اسلامی

(مطالعه موردی حزب التحریر)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

دکتر حمید حکیم^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

مریم نوری (نویسنده مسول)^۲

چکیده

حزب التحریر یک جنبش فراملی اسلامی است که هدف آن متحد کردن مسلمانان در سراسر جهان تحت یک خلافت واحد است. با وجود اینکه فعالیت حزب التحریر در بسیاری از کشورهای مسلمان نظیر عربستان، مصر و ترکیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی غیرمجاز است اما این حزب نقش مهم و فعالی را در برخی از مناطق جغرافیای جهان اسلام بازی می‌کند. حزب التحریر همانند بسیاری از احزاب و جریانات رادیکال اسلامی در دهه‌های اخیر به عنوان یک چالش برای برخی از دولت‌های جهان اسلام مطرح شده است در همین راستا این مطالعه به بررسی رویکردهای پنج جمهوری آسیای مرکزی نسبت به حزب التحریر می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد کشورهای آسیای مرکزی چه سیاست‌هایی برای کنترل این حرکت اجتماعی در میان مردم این کشورها به کار برده‌اند. پرسش تحقیق این است که دولت‌های آسیای مرکزی چه رویکردی نسبت به حزب التحریر در سیاست‌های خود دارند؟ در پاسخ باید گفت از آنجایی که حزب التحریر نقش بسزایی در گسترش افراط‌گرایی در داخل جمهوری‌ها و کل منطقه دارد، دولت‌های آسیای مرکزی به انحنا مختلف با استفاده از روش‌های سرکوب نرم و سخت سعی در از بین بردن این حزب در این منطقه داشته‌اند. نویسندگان تلاش می‌کنند با در نظر گرفتن فقدان تحقیقات قبلی در این باره و اهمیت موضوع، این خلاء علمی را پرکنند. روش پژوهش، مقایسه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و استفاده از منابع اینترنتی است.

کلید واژه‌ها: آسیای مرکزی، حزب التحریر، افراط‌گرایی، حزب سیاسی، حزب اسلامی

^۱ استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

ham_hakim@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده اکو، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

maria.rose.nouri@gmail.com

ورود به دنیای مدرن و تحولات عصر مدرنیته، جهان اسلام را نیز دچار تحول نمود و کشورهای اسلامی به اشکال گوناگون در معرض این تحولات قرار گرفتند. عده‌ای معتقدند که استعمار سبب چنین تحولی در دنیای اسلام شد و برخی دیگر با رد نظریه استعمار، معتقدند که جهان اسلام چاره‌ای جز پذیرش مدرنیته نداشته است. در این میان، نظریه‌پردازان و دولت - ملت‌های اسلامی نیز واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند. برخی از آنان شیفته دنیای جدید شدند و درصدد برآمدند تا سنت را کنار نهند. پاره‌ای نیز تلاش نمودند تا آثار مدرنیته را به کلی محو و با حفظ سنت، با جهان غرب و دنیای معاصر مقابله نمایند. پاره‌ای دیگر راه میانه را در پیش گرفتند و با حفظ سنت، تلاش کردند تا از دنیای مدرن نیز استفاده کنند. واکنش به مدرنیته در جهان اسلام، صرفاً توسط دولت‌های اسلامی صورت نگرفته، بلکه مدرنیته واکنش نیروها و گروه‌های اسلامی غیردولتی را هم در برداشته است. این گروه‌ها نیز برخی قائل به رد کامل مدرنیته برخی جذب کامل و برخی رویکردی بینابینی دارند. گروه‌هایی که به دنبال نفی و رد کامل مدرنیته هستند اصطلاحاً گروه‌های «رادیکال» خوانده می‌شوند. این گروه‌ها اگرچه هدفی مشترک (نفی مدرنیته) دارند اما به لحاظ روش مقابله با مدرنیته و جهان مدرن اختلاف نظر دارند و به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست گروه‌هایی که روش اصلاح‌گرایانه را سرلوحه رفتار خود قرار داده و از هرگونه رفتارهای خشونت‌آمیز پرهیز جسته‌اند. گروه دوم گروهی هستند که از رفتارهای خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند و اعتراض خود را در قالب جنگ و مبارزه نشان می‌دهند.

آنچه که سبب ظهور چنین گروه‌هایی در جوامع اسلامی به‌ویژه در منطقه آسیای مرکزی شده است، گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن بوده که زمینه و بستر را برای بروز برخی بحران‌ها به‌وجود می‌آورد. آسیای مرکزی از سال‌های قبل از فروپاشی شوروی سابق زمینه‌های مساعدی را جهت پذیرش عقاید افراطی مذهبی در مناطق مختلف خود دارا بود. یکی از مهم‌ترین عوامل نفوذ و گسترش تفکرات افراطی دینی در منطقه آسیای مرکزی عقبه مذهبی مردم این منطقه و تاریخ پرشکوه آن در تاریخ تمدن اسلامی می‌باشد. تفکرات افراطی مذهبی (مانند عقاید سلفیون) در دهه ۱۹۷۰ میلادی از طریق گروه‌های تبلیغی کشورهایمانند اردن، عراق و افغانستان در منطقه به شکل مخفیانه نفوذ و ظهور کرد. در سال‌های پس از فروپاشی شوروی نیز گروه‌هایی مانند جنبش اسلامی

ازبکستان، جنبش اسلامی آسیای مرکزی، حزب التحریر، گروه اکرمه و حزب النصر در منطقه ظهور و بروز پیدا کردند.

۱- بیان مسله:

اسلام گرایی در آسیای مرکزی ریشه عمیق تاریخی دارد. در دوره اتحاد جماهیر شوروی مردم این منطقه با استفاده از اسلام و مبانی آن، با سیاست های اسلام ستیزی مقابله کردند. در طی سه دهه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و باز شدن فضای باز سیاسی اجتماعی در این منطقه، روند گرایش مجدد به اسلام گرایی تقویت گردید و احزاب و گروه های اسلام گرا فرصت مناسبی برای گسترش فعالیت های مذهبی در این منطقه به دست آوردند. تفاوت عمده این دوره از اسلام گرایی با دوره های عموماً با اسلام رحمانی و همزیستی مسالمت آمیز با سایر آیین ها و مذاهب شناخته شده در حالی که در دوره جدید، اسلام گرایی با گرایش های رادیکالیسم تلفیق یافته و اسلام گرایان و نهضت های دینی، گرایش خاصی به افراط گرایی مذهبی پیدا کرده اند. هویت اسلامی در آسیای مرکزی در چند دهه اخیر به طرف رادیکالیزه شدن پیش می رود تا جایی که اکثر احزابی که داعیه اسلام گرایی در منطقه دارند به نوعی در صدد تقویت بنیادگرایی اسلامی و رادیکالیزه شدن اسلام در منطقه هستند (نیکونهاد، رمضان، ۹۰:۱۴۰۰).

یکی از احزاب مهم رادیکال در این منطقه حزب التحریر است. هدف اصلی این حزب متحد کردن مسلمانان تحت یک خلافت اسلامی است. دامنه فعالیت آن شامل کشورهای بسیاری می شود. اما از آنجایی که آسیای مرکزی برای قرون متمادی مرکز مهم فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است و اکثریت جمعیت ساکن در این کشورها مسلمان هستند؛ پنج جمهوری مسلمان آسیای مرکزی در اولویت

فعالیت حزب التحریر قرار گرفته است. این حزب از اوایل دهه ۱۹۹۰ موفق شده است به اکثر جمهوری‌های آسیای مرکزی نفوذ کند تا حدی که امروزه در منطقه در حال رشد است. حزب التحریر خواهان براندازی دولت های آسیای مرکزی به روش مسالمت آمیز و برقراری خلیفه‌گری در منطقه است. رهبران حزب مدعی اند که فعالیت آنها صلح آمیز و به دور از مجادلات سیاسی است و هدفشان آگاهی بخشی به مردم برای ایجاد یک حکومت اسلامی است. از این رو بیشتر به کارهای فرهنگی می پردازند. در واقع این حزب از طریق روشنگری به احیای امت اسلامی همت می‌گمارد و تلاش می‌کند تا شکوه اولیه اسلام را بازگردانده و در آینده جهان را تحت قوانین اسلام اداره کند(نوای، شاه علی ۱۱۴:۱۳۹۱).

از سویی دولت های آسیای مرکزی معتقدند که دین از سیاست جدا است و این مسئله در قانون اساسی این کشورها نیز ذکر شده است. به همین دلیل تضاد و تعارض اساسی بین این دولت ها و احزاب و جنبش های رادیکال اسلامی از جمله حزب التحریر وجود دارد در همین راستا این پژوهش به دنبال بررسی رویکردهای این دولتها برای مقابله و خنثی سازی این گروههای رادیکال به صورت کلی، و به صورت خاص حزب التحریر می باشد.

۲. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که در این حوزه می توان به آن اشاره نمود یک کتاب جدید در زمینه حزب التحریر در تاریخ ۱۸ آگوست ۲۰۲۰ با نام "فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی حزب التحریر در افغانستان" نوشته نویسنده افغانستانی، دکتر پوهنیار احمد زیر بیانفر عضو دپارتمان تاریخ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پروان افغانستان می‌باشد که صرفاً به بررسی فعالیت‌های حزب در کشور افغانستان و نه کشورهای آسیای مرکزی پرداخته است.

کتاب درآمدی بر رادیکالیسم اسلامی در آسیای مرکزی نوشته حامد یعقوبی فر که نشر اروانه آن را در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسانده نیز به دنبال آن است تا زمینه تاریخی که بسترهای مناسب را برای رادیکالیسم در این منطقه هموار کرده است، مورد بررسی قرار دهد. هم چنین سعی شده است تا ریشه‌های خاست خصوصیات پدیده جنگجویان خارجی رادیکال در آسیای مرکزی مورد کنکاش قرار گیرد. نویسنده این کتاب در دو بخش کلی مباحث نظری و وضعیت موجود کشورهای آسیای مرکزی، محورهایی چون بستر تاریخی و عوامل نوین موثر بر روند شکل گیری رادیکالیسم اسلامی،

تبیین ویژگی های سیاسی، فرهنگی و ملی جنگجویان خارجی با خاستگاه هر یک از کشورهای منطقه آسیای مرکزی، پیچیدگی موقعیت سیاسی و اجتماعی منطقه آسیای مرکزی و روندهای موجود و بالقوه و معیارسنجی خطرات آن برای امنیت ملی کشورهای پیرامونی و ثبات بین المللی را بررسی کرده است.

چندین مقاله مرتبط نیز وجود دارند مانند مقاله "جریانات اسلام گرا در آسیای مرکزی" نوشته یحیی فوزی و بهروز پایاب که در سال ۱۳۹۱ در فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام به چاپ رسیده و به بررسی عوامل و زمینه های شکل گیری حزب در منطقه آسیای مرکزی می پردازد و از اهمیت ایدئولوژی در منطقه می گوید و یا مقاله "حزب التحریر و حوزه نفوذ آن در آسیای مرکزی" نوشته جواد اطاعت و حسن کریمی که در سال ۱۳۹۹ در فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی منتشر شده است. همچنین به مقاله "فعالیت حزب التحریر در آسیای مرکزی" نوشته گول نوزا ساید ازیما و یوسف محمودی در ماهنامه ایراس که در سال ۱۳۸۵ منتشر شد نیز می توان اشاره کرد. مقاله "اندیشه سیاسی حزب التحریر" نوشته حسن حضرتی و عبدالواحد قادری که در سال ۱۳۸۹ در فصلنامه پژوهش های تاریخی نوشته شده نیز به تفکر و نوع اندیشه این حزب پرداخته است.

علاوه بر این کتاب ها و مقالات، وبسایت هایی چون خبرگزاری جمهور افغانستان، پایگاه پژوهشی تخصصی وهابیت شناسی ایران، سایت تحلیلی کلکین افغانستان، وبسایت رسمی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران، خبرگزاری تسنیم ایران و وبسایت شعوبا ایران نیز مطالبی را پیرامون حزب التحریر منتشر کرده اند.

به طور خلاصه می توان نتیجه گرفت که کتاب ها، مقالات و وبسایت هایی که به زبان فارسی به بررسی و تحلیل حزب التحریر پرداخته اند هیچ کدام به طور خاص به بررسی و مقایسه رویکردهای دولت های پنج جمهوری آسیای مرکزی به حزب التحریر نپرداخته اند. بلکه آثار موجود بیشتر پیرامون سیر تاریخی و منشا و دلایل شکل گیری حزب التحریر نوشته شده اند.

۳- حزب التحریر³ (HT)

³ Hizb ut-Tahrir

حزب التحریر یک جنبش - سازمان فراملی است که متعهد به احیای خلافت که شامل یک دولت اسلامی فراملی مبتنی بر قوانین شریعت، به ریاست خلیفه، به عنوان رهبر معنوی و سیاسی همه مسلمانان، می‌باشد. اگرچه حزب التحریر استراتژی خشونت آمیز برای مبارزه سیاسی را به طور رسمی رد می‌کند، و ادعا می‌کند که اهداف خود را منحصراً با روش های سیاسی دنبال می‌کند، و هیچ توافق کارشناسانه یا بین المللی در مورد اینکه آیا آن‌ها یک سازمان افراطی هستند وجود ندارد؛ با این حال دولت‌های آسیای مرکزی حزب التحریر را جزء سازمان‌های تروریستی قرار داده‌اند و فعالیت‌های آن در تعداد زیادی از کشورهای مسلمان و برخی کشورهای غربی همچون آلمان، دانمارک و بریتانیا ممنوع است. برخی کشورها نیز همچون ایالات متحده آن را یک گروه تروریستی نمی‌دانند (SecDev Group, 2018:19).

حزب التحریر^۴ ابتدا در کشورهای عربی و به دنبال آن در کشورهای افغانستان، الجزایر، پاکستان و برخی کشورهای آسیای مرکزی فعالیت خود را آغاز کرد و گفته می‌شود ستاد مرکزی این حزب در اروپای مرکزی و به احتمال قوی در آلمان مستقر است. شعبه‌های دیگر حزب در فلسطین، اردن، مصر و سایر ممالک عربی و ترکیه فعالیت دارند. شایان ذکر است که حزب در همه این کشورها با مخالفت مقامات رسمی دولت‌ها روبه رو شده است

تقی الدین نبهانی در سال ۱۹۷۷ درگذشت و یوسف شیخ عبدالقدیم زلوم، یکی از اعضای بنیانگذار فلسطینی تبار این حزب، جانشین وی شد. متعاقباً هنگامی که عبدالقدیم زلوم نیز در آوریل ۲۰۰۳ درگذشت، یک فلسطینی دیگر به نام عطا ابورشطی، سخنگوی پیشین حزب در اردن، جایگزین وی شد. اگرچه گاهی اوقات رهبران آن سعی در ارائه یک دیدگاه اسلامی جایگزین درباره موضوعات معاصر داشته اند اما دکتترین و طریقت حزب التحریر در پنجاه سال گذشته تغییری نکرده است، . (Karagiannis & McCauley, 2006: 316)

هدف ابتدایی حزب مبارزه با یهودیان و آزادی فلسطین اشغالی از دست متجاوزان بوده است. این هدف با توجه به ملیت فلسطینی رهبر حزب^۵، طبیعی به نظر می‌رسید. اما در ادامه، اهداف حزب

^۴ کلمه تحریر به دو معنی آمده است : ۱. آزادی ۲. نوشتن و نوشتجات. این دو معنی نشان دهنده خط مشی حزب است که هدفش را آزاد سازی مناطق مسلمان و شیوه‌اش را استفاده از نوشتجات و ادبیات قرار داده است.

^۵ بنیانگذار و رهبر حزب التحریر شیخ تقی الدین النبھانی است. النبھانی در گذشته در دادگاه استیناف اسلامی در بیت المقدس کار می‌کرد. النبھانی همچنین، از اعضای حزب اخوان المسلمین بود، که این حزب یک سازمان اسلام گرای زیرزمینی محسوب

گسترده شده و ایده اصلی ایجاد دولت متحد اسلامی به شکل خلافت (خلیفه گری) اعلام گردید. حزب التحریر معتقد است چنین خلافتی را باید ابتدا در خاورمیانه، با توجه به خاستگاه اسلامی این منطقه به وجود آورد و سپس به سایر کشورهای اسلامی، از جمله آسیای مرکزی تعمیم داد. در همین راستا رهبر حزب التحریر گفته است: « مایلیم که خلیفه گری اسلامی به وجود آوریم که بتواند همه کشورهای آسیای مرکزی را متحد کند». حزب التحریر دموکراسی غرب را به طور کلی رد می‌کند و هیچ کدام از دولت های موجود اسلامی را به عنوان یک دولت اسلامی به رسمیت نمی‌شناسد و اعتقاد دارد که اینها دولت واقعی اسلامی نیستند (نوای، شاه علی ۱۱۴:۱۳۹۱).

به لحاظ ساختار حزبی پایین ترین سطح تشکل حزب التحریر "حلقه" نامیده می شود و در پایین ترین سطح، اعضا در حلقه های مطالعاتی پنج نفره سازمان یافته اند. رئیس هر حلقه مطالعاتی (مشرف) بر اعضای خود که ایدئولوژی گروه را مطالعه می کنند، نظارت می کند.

در سطح ولسوالی، یک کمیته محلی وجود دارد که رهبر آن نقیب نامیده می شود، و عهده دار اداره امور گروه ها در مرکز شهری مربوطه و روستاهای اطراف آن است. حزب التحریر مفهوم دولت-ملت مدرن را رد می کند و جهان را به ولایات تقسیم کرده است. در سطح ولایت، کمیته ای به ریاست یک نماینده استانی (معمد) وجود دارد که بر فعالیت های گروه نظارت می کند و در راس این هرم نیز رهبری عالیقدر (امیر) قرار دارد (Karagiannis & McCauley, 2006: 317).

۴- هدف حزب التحریر:

هدف حزب التحریر بازیافتن شیوه زندگی اسلامی و رساندن پیام دعوت اسلام به سراسر جهان است. بدینسان، مسلمانان به شیوه زندگی اسلامی به دارالاسلام برمی گردند و جامعه اسلامی به وجود می آید که در آن تمامی امور آن بر مبنای قوانین شریعت و از منظر حلال و حرام در سایه دولت اسلامی و تحت نظر خلیفه اسلامی اداره می شود. این دولتی است که مسلمانان خود، خلیفه

می شود که در سال ۱۹۲۸ در مصر توسط حسن البنا تأسیس گردید و در سراسر دنیای اسلام گسترش پیدا کرد. النبھانی هنگامی که در دانشگاه الازهر قاهره درس می خواند به حزب اخوان المسلمین پیوست اما بعد، از این حزب خارج شد، زیرا احساس می کرد حزب، جهت گیری درست خود را از دست داده است (Rashid, 2002).

را تعیین کرده و با آن بیعت می‌کنند و او نیز بر مبنای تعهد به کتاب خدا (قرآن و سنت رسول خدا) عمل کرده و اسلام را از طریق دعوت و جهاد در سراسر جهان منتشر می‌کند.

در همین راستا شیخ تقی الدین النبهانی فلسطینی، بنیانگذار حزب، فتوا داده که هر مسلمانی باید تلاش کند حکومت اسلامی ایجاد گردد. النبهانی معتقد است خلیفه به عنوان رهبر مذهبی و سیاسی، جانشینی برای پیامبر(ص) است و باید مردی را به عنوان امیر یا فرمانده نظامی تعیین نماید تا اعلام جهاد کرده و بر ضد کافران از جمله ایالات متحده بجنگد. برحسب بینش سیاسی حزب، چنانچه چنین حکومتی شکل گیرد، تفاوت‌های قومی، قبیله‌ای، منطقه‌ای و ملی موجود را به رسمیت نخواهد شناخت(نوای، شاه‌علی ۱۱۴:۱۳۹۱).

حکومت اسلامی مطلوب این حزب «خلافت» است و حکومت مبتنی بر آن باید بر چهار اصل استوار باشد (۱) حاکمیت شریعت (۲) قدرت و اقتدار ملت؛ یعنی انتصاب خلیفه حق خدادادی ملت است (۳) انتصاب خلیفه و بیعت با او بر تمام مسلمانان فرض است (۴) تنها خلیفه، که باید یک نفر باشد حق تصویب و اعمال قوانین و مقررات را دارد(کاشانی، ۱۳۹۴:۲۵۶).

در آثار مکتوب این حزب سه مرحله مبارزه سیاسی تشریح شده که مبنای آن تفسیر حزب التحریر از بعثت و مأموریت تاریخی پیامبر اسلام برای برقراری اولین دولت اسلامی است.

مرحله اول: مرحله فرهنگ‌سازی است که شامل یافتن و پرورش افرادی است که به تفکر و روش حزب معتقد باشند. این امر به منظور تنظیم ایجاد گروهی که توانایی اجرای نظریات حزب را داشته باشند، ضروری است.

مرحله دوم: مرحله ارتباط با امت (جامعه گسترده‌تر اسلامی) به منظور تشویق آنها برای فعالیت به نفع اسلام و ابلاغ دعوت به شیوه خاص حزب التحریر است. هم‌چنین امت باید تلاش کند تا اسلام در زندگی، دولت و جامعه استقرار یابد.

مرحله سوم: مرحله به دست گرفتن دولت و اجرای کامل و بدون نقض احکام اسلام و گسترش و صدور پیام آن به جهان است(سایت مخاطرات تکفیر، ۰۳/۰۹/۱۳۹۵).

علیرغم این اهداف بلند پروازانه در عرصه عمل موفقیت چشمگیری بدست نیاورده است و به هیچ یک از اهدافش نرسیده است و حمایت محدود از آن در بسیاری از بخش‌های جهان اسلام به معنای

آن است که احتمال دستیابی حزب به اهدافش بسیار کم است هر چند حزب التحریر جذب نیرو و نفوذ در بسیاری از جوامع را موفقیت بزرگی برای خود می داند (گروه بحران بین الملل، ۲۹: ۱۳۸۳؛ فصیحی، ۲۸۵: ۱۳۹۸).

۵- تاریخچه گسترش بنیاد گرایی اسلامی (حزب التحریر) در آسیای مرکزی:

تاریخچه نفوذ جریان‌های بنیادگرا در کشورهای آسیای مرکزی در دو دهه گذشته نشان می‌دهد که این اندیشه‌ها از دو مجرای اصلی وارد آسیای مرکزی شدند. یکی با حضور مبلغان عرب در منطقه و تحصیل علمای منطقه در کشورهای عربی با هزینه کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی، دوم ورود اندیشه‌های افراط گرایی پس از جنگ افغانستان و شوروی و رادیکالیزه شدن مرزهای جنوبی تاجیکستان و ازبکستان و سپس حضور طالبان در افغانستان و پاکستان که به صورت ساختاری و سازمانی، زمینه ورود اندیشه‌ها و اندیشمندان و جریان‌های سلفی وهابی را به منطقه آسیای مرکزی به ویژه از طریق دره فرغانه فراهم کرد (قربانی، ۱۳۹۳: ۲-۳). در اواخر دهه ۱۹۷۰، دره فرغانه گروه‌های کوچکی به صورت غیررسمی برای تحصیل علوم دینی به وجود آمد. در این گروه‌ها، به آموزش اسلام سلفی پرداخته شد. از اوایل دهه ۱۹۹۰، از میان رفتن کنترل متمرکز دوران اتحاد شوروی، رشد سلفیگری افراطی در آسیای مرکزی را شدت بخشید (رشید، ۱۳۸۷: ۱۷۰-۱۷۲).

بررسی اجمالی وضعیت پنج کشور واقع در منطقه آسیای مرکزی نشان دهنده این است که در این منطقه، سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به نسبت دو کشور قزاقستان و ترکمنستان مشکلات بیشتری را در رابطه با رشد رادیکالیسم دینی داشته‌اند. در بین سه کشور فوق نیز «دره فرغانه» واقع در مرز مشترک تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان، منطقه مرکزی فعالیت‌های گروه‌های اسلام‌گرای تندرو است. علت تمرکز گروه‌های رادیکالی دینی در این منطقه نیز شرایط مناسب جغرافیایی آن برای مخفی شدن و هم‌جواری آن با سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان می‌باشد، هم‌چنین همراهی اهالی منطقه با این گروه‌های افراطی باعث شده، دره فرغانه محل مناسب برای تمرکز گروه‌های افراط‌گرای دینی باشد (اشرافی، عموری، اشرافی، ۳۲: ۱۳۹۹).

۵-۱- حزب التحریر در آسیای مرکزی

حزب التحریر از اواسط دهه ۱۹۹۰ در آسیای مرکزی شروع به کار کرد و در داخل ازبکستان و تا حدودی در کشورهای همسایه خود قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان طرفداران متعدد خود را

توسعه داد. برآورد قدرت آن بسیار متفاوت است، اما رقم تقریبی احتمالاً ۱۵-۲۰ هزار نفر در سراسر آسیای مرکزی را شامل می‌شود. اگرچه این حزب در منطقه‌ای که به دلیل دهه‌ها حکومت کمونیستی کشش و علاقه‌ی محدودی به اسلام سیاسی دارد، از پشتیبانی عمومی کمی برخوردار است؛ اما تاکنون به بزرگترین جنبش اسلام‌گرای رادیکال در منطقه تبدیل شده است (ICG, Report58,2003).

اگرچه حزب التحریر نسبت به سایر گروه‌های اسلامی تندرو نگرش معتدل تری در رابطه با دولت‌های منطقه آسیای مرکزی دارد و آموزه‌های غیر خشونت‌آمیز را تبلیغ می‌کنند. اما از آنجا که حزب التحریر باهدف تأسیس خلافتی فراملی جزوه‌های تبلیغاتی منتشر می‌کند. از نظر دولت‌های منطقه برای ثبات سیاسی کشورهای آسیای مرکزی خطرناک و در همه دولت‌های منطقه غیرقانونی اعلام شده است (Raymann,2014:94).

در ادامه دلایل اصلی رشد و افزایش محبوبیت حزب التحریر در سالهای اخیر در منطقه آورده شده است:

- افزایش محبوبیت از طریق تبلیغات ضد آمریکایی، ضد غربی و ضد سرمایه‌داری برای ریشه کن کردن به زعم خودشان «امپریالیسم کافر غربی» از تمام کشورهای مسلمان.
- برای مردم کشورهای آسیای مرکزی که به دین علاقه دارند اما به دلیل زیستن در حکومت غیر دینی شوروی دانش کمی در زمینه دین دارند، ادعاهای مذهبی حزب التحریر یک مدل جذاب را فراهم می‌کند.
- خدمات عمومی که توسط این گروه به مردم ارائه می‌شود؛ مانند حمل و نقل عمومی، مراقبت‌های بهداشتی، زمین‌های کشاورزی و اشتغال تضمین شده برای همه شهروندان، مسلمانان این منطقه را که اعتقاد خود را به پس از اتحاد جماهیر شوروی دوباره بازیابی کرده‌اند، را به راحتی جذب می‌کند (Cormac sean,2015).
- جذابیت حزب التحریر به ویژه برای ازبک‌های آسیای مرکزی بسیار زیاد بوده است. ازبک‌ها که حدود ۴۰ درصد جمعیت آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهند در کشورهایی مثل قزاقستان و قرقیزستان اقلیتی قومی محسوب می‌شوند و برای این جمعیت پراکنده ایده تشکیل یک

دولت اسلامی که به قومیت تاکید نکند و منجر به ادغام تمام ازبک‌ها در یک کشور در کنار قومیت‌های دیگر می‌شود چشم اندازی بسیار ایدئال است.

- فقدان رهبران معتبر دینی برای مقابله با ایدئولوژی حزب التحریر یکی از دلایل موفقیت این جنبش در آسیای مرکزی است. نهادهای مذهبی دولتی در این کشورها عمدتاً متهم به فساد هستند و همین فساد و ناکارآمدی نهادهای دینی دولتی یکی از دلایل علاقمند شدن مردم به جریان‌های مثل حزب التحریر در این منطقه است مثلاً در سال ۲۰۱۴ مفتی اعظم قرقیزستان پس از آن که یک ویدئو نشان داد که وی در شب سال نو با یک زن نوجوان دست به اقدامات جنسی می‌زند از سمت خود عزل شد (zenn and kuehnast,2014:5).

از نظر بسیاری کارشناسان نفوذ این حزب در آسیای مرکزی به حدی است که سایر گروه‌های اسلام‌گرای منطقه، بویژه القاعده و جنبش اسلامی ازبکستان، برای تضعیف حزب التحریر تلاش‌های زیادی کرده اند. (اشرفی، ۱۳۹۶).

۶- رویکرد دولت‌های آسیای مرکزی نسبت به رادیکالیسم (بنیادگرایی) اسلامی

قوانین اساسی همه کشورهای آسیای مرکزی، به اصل تفکیک دین از سیاست احترام می‌گذارند تمام قوانین کشورهای آسیای مرکزی به صراحت می‌گویند حکومت این کشورها شکل عرفی یا سکولار دارد و هیچ دینی را به عنوان دین رسمی نمی‌پذیرند.

این جهت‌گیری عرفی قوانین اساسی آسیای مرکزی چند دلیل دارد: اول از همه، رهبران این کشورها که بنیان‌گذاران کشورهای آسیای مرکزی بوده‌اند، تحصیلات خود را در دوران شوروی گذرانده‌اند و در نتیجه، متأثر از تفکر مارکسیستی درباره مذهب هستند. رژیم کمونیسم، اسلام را دینی خشونت طلب و ابتدایی تصور می‌کرد و جهاد افغانها ضدارتش سرخ، باعث تقویت چنین عقاید کلیشه‌ای شد. به علاوه، نخبگان سیاسی منطقه پس از فروپاشی شوروی عروج لیبرال دموکراسی، قوانین سیاسی عرفی به سبک غربی را تدوین کردند تا تمایلات غرب‌گرایانه خود را به نمایش گذارند. همچنین در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، سکولاریسم، ضامن هماهنگی قومی در جمهوری‌های تازه

تأسیس آسیای مرکزی تلقی می شد؛ منطقه ای که در آن، تعداد فراوانی غیر مسلمان مانند روسها، زندگی می کردند(اشرفی، ۱۳۹۹: ۱۱۴).

به صورت کلی واکنش رژیم های آسیای مرکزی نسبت به فعالیت احزاب تندرو اسلامی واکنشی تقابلی و ستیزنده بوده است

در همین راستا می توان به اقداماتی از جمله: اقدام به کنترل مذهبی شهروندان، ترویج سکولاریزم، جلوگیری از تأمین بودجه اجتماعات اسلامی محلی توسط سازمان های خیریه بین المللی و ممنوع یا محدود کردن فعالیت سازمان های خیریه اسلامی خارجی از سوی دولت های این منطقه اشاره کرد (لینک و ناومکین، ۱۳۹۱: ۲۷۰-۲۶۹).

۶-۱- تقابل نرم با رادیکالیسم اسلامی

دولت های منطقه برای جلوگیری از رشد بنیادگرایی، تلاش داشته اند تا به تقویت اسلام میانرو پردازند تا جایی که اسلام در سراسر منطقه تا حد یک ایدئولوژی دولتی صعود نموده است. دولت های سکولار حاکم بر آسیای مرکزی برای مقابله با اسلام تندرو درصدد میدان دادن به طریقت های تصوف هستند که ماهیتی محافظه کار داشته و یا حداقل در مقابل رادیکالیسم اسلامی قرار می گیرند. البته فرایند سیاسی شدن این لایه هویتی اسلامی، از توجه دولتمردان آسیای مرکزی به دور نیست و در جای خود سعی می کنند جلوی گسترش بیش از حد آنها را بگیرند(اشرفی، ۱۳۹۹: ۱۱۵). همچنین دولت های منطقه تلاش می کنند رهبران و روحانیونی که به مشروعیت رژیم شان کمک می کنند را حمایت کنند. در واقع هدف اصلی دولت های منطقه این است که اسلامی به مردم ارائه دهند یا تشویق کنند که ثبات رژیم هایشان را تقویت کند. کمک به این نوع از اسلام در واقع با هدف مقابله با اسلام گرایانی است که قصد سرنگونی رژیم های اقتدارگرای آسیای مرکزی را دارند. بنابراین با وجود سکولار بودن نظام های سیاسی کشورهای آسیای مرکزی، دولت های این منطقه با ایجاد سازمان ها و مراکز آموزشی به کنترل فعالیت های اسلامی می پردازند(محمودی، ۱۳۸۵: ۱۵). در واقع دولت های آسیای مرکزی علی رغم سکولار بودن سعی می کنند از طریق اسلام میانه رو با اسلام گرایان رادیکال مقابله کنند.

۶-۲- تقابل سخت با رادیکالیسم اسلامی:

از زمان وقوع حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شواهد حاکی از آن است که دولت های منطقه کوشیده اند از اقدامات گسترده ضد تروریستی تحت رهبری آمریکا در افغانستان بهره گیرند و به این بهانه، سلفیگری را در منطقه سرکوب کنند (محمودی، لطیف اف، ۱۳۹۳: ۵۳).

طی سال ۲۰۰۲ بازداشت معتقدین مذهبی به ویژه جریان سلفیگری در ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان شدت گرفت. بسیاری از آنها تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفتند. در ازبکستان و تاجیکستان متهمان با مجازات حبس تا ۱۸ سال و یا بیشتر روبرو شدند. مقامات تاجیکی دستور بستن چندین مسجد را صادر کرده و تعدادی از روحانیون محلی را برکنار کردند (آکینر، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۴۸).

جمهوری ازبکستان:

دولت ازبکستان، نسبت به دیگر دولت های آسیای مرکزی، احساس تهدید بیشتری از جانب بنیادگرایی اسلامی می کند. چرا که پس از استقلال این کشور، بنیادگرایی اسلامی به یک نیروی اجتماعی - سیاسی قدرتمند در ازبکستان تبدیل شد (فعالیت حزب التحریر در ازبکستان از سال ۱۹۹۲ آغاز گردید و پس از آن در منشورات این حزب به ازبکستان به عنوان "ولایت" یعنی بخشی از دولت جهانی اسلام اشاره می شود). (سنایی، ۱۳۸۵: ۱۲ و آقایی و دمیری، ۱۳۹۳: ۱۴). از این رو دولت ازبکستان اولین دولتی بود که سرکوب اعضا و هواداران حزب التحریر را شروع کرد. این سرکوب به دلیل اعمال غیر قانونی مذهبی صورت می گرفت؛ یعنی فعالیت های مذهبی که در چارچوب قوانین دولت و زیر نظر مقامات تعیین شده از سوی دولت نبوده است (خادم، ۱۳۸۲: ۱۴).

دولت ازبکستان برای اولین بار سرکوب حزب التحریر به صورت جدی را در سال ۱۹۹۷ آغاز و بسیاری از اعضای آن را دستگیر کرد. در ادامه با سوء قصد به جان رئیس جمهور کریم اف در فوریه ۱۹۹۹، دولت/رئیس جمهور ازبکستان انگشت اتهام به سمت گروه های اسلامی به ویژه حزب التحریر دراز کرد و از آن به عنوان گروه تروریستی یاد نمود که به دنبال آن دستگیری های چشمگیر اعضای این حزب دوباره بالا گرفت. دولت ازبکستان به دستگیری، شکنجه و گرفتن اعترافات بسنده نکرده و توانست برخی از اعضای این حزب را در اثر شکنجه به قتل رساند. از نظر کارشناسان

سیاست‌های سختگیرانه دولت ازبکستان اثر معکوس داشته و به رشد این حزب کمک کرده است (ICG, Report58, 2003). زیرا با اعمال بیشتر سختگیری‌ها و شدیدترین سرکوب‌ها از جانب دولت ازبکستان، تحرک حزب التحریر در این کشور بسیار چشمگیر و شمار طرفدارانش فوق العاده بوده است.

علاوه بر این کارشناسان بر این باورند که بخشی از موفقیت‌های حزب التحریر در ازبکستان به خاطر فقدان احزاب سکولار طرفدار جدایی دین از سیاست می باشد که فرصت را در اختیار حزب التحریر قرار داده تا تریبون مناسبی برای ابراز وجود و طرح خواسته‌های سیاسی مخالفان دولت باشد (ساید ازیمووا، ۱۳۸۵: ۱۸) با وجود نبود مآمار و اطلاعات دقیق تعداد اعضای این حزب در ازبکستان که مرکز اصلی فعالیت آن در آسیای مرکزی است بین هفده الی شصت هزار نفر تخمین زده می شود (وریج کاظمی، ۲۰۰۰: ۱۴۰۰).

در سالهای اخیر ازبکستان با بازبینی در سیاست‌های دینی خود به این نتیجه رسیده است که برای مهار افراط‌گرایی در آسیای مرکزی، نمی‌توان به روش‌های سرکوب‌گرانه پیشین تکیه کرد و بایستی اقدام به اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه تری کرد. در این راستا شوکت میرضیایف رئیس‌جمهور این کشور در کنار تسهیل شرایط دینداری در ازبکستان، اقدام به تقویت ساختار آموزش اسلامی و احیای جایگاه تاریخی سمرقند، بخارا و تاشکند در تولید و ترویج اسلام در سطح جهان اسلام و به ویژه محیط آسیای مرکزی کرده است. البته فهم این مساله مهم است که اسلام مدنظر وی، مبتنی بر قرائتی سکولار از اسلام خواهد بود (شکاری، ۱۳۹۷).

جمهوری تاجیکستان:

از سال ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹، تاجیکستان در زمره لیبرال‌ترین رژیم‌های آسیای مرکزی به شمار می‌رفت و احزاب مختلفی در آن فعالیت داشتند. در این مدت، دولت در مورد حزب التحریر احساس تهدید نمیکرد از اوایل سال ۲۰۰۰، وقتی که مشخص شد حزب التحریر به سرعت در شمال تاجیکستان در حال گسترش است، مواضع دولت سخت‌تر شد. کمیسیون تخصصی برای تحقیق در مورد ماهیت سازمان و خواسته‌های حزب تشکیل و نتیجه گرفتند حزب تهدیدی برای دولت است. پس از آن بازداشت‌های گسترده‌ای در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ صورت گرفت (ICG interview with senior official, March 2003).

در تاجیکستان، حزب التحریر در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ ظاهر شد و اصلی‌ترین حامیان آن در شمال و غرب کشور مستقر بودند. عوامل اصلی رشد روزافزون حزب التحریر در تاجیکستان، گسترش نارضایتی‌های عمومی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی و کنترل رسمی موضوعات مذهبی به ویژه روحانیونی بود که مردم را در مسائل اجتماعی و مذهبی ارشاد می‌کردند. همچنین ناامیدی از گروه‌های میانه‌رو اسلامی برای ایجاد تغییر در شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز مزید بر علت شد تا گرایش‌ها به حزب التحریر افزایش یابد. در حقیقت یک نوع سرخوردگی عمومی در میان پیروان گروه‌های میانه‌رو بوجود آمده بود؛ چرا که آن‌ها معتقد بودند این گروه‌ها به خدمت دولت درآمده و هدف خود را برای ایجاد یک دولت اسلامی رها کرده‌اند (بهمن، ۱۳۹۵).

مطالعات نشان می‌دهد که شهروندان ازبک نخستین هسته‌های التحریر را در تاجیکستان تشکیل دادند. شهروندان ازبک، در سالهای پایانی دهه ۱۹۹۰، به شمال تاجیکستان مهاجرت کردند. نقطه شروع فعالیت التحریر در تاجیکستان استان سغد است. این استان هم مرز با ازبکستان بوده و حدود ۳۰ درصد از جمعیت و دو سوم از تولید ناخالص داخلی تاجیکستان مربوط به این استان است. زمان شروع فعالیت حزب در تاجیکستان پس از قطعنامه صلح بوده است؛ یعنی زمانی که حزب نهضت اسلامی از فعالیتهای نظامی دست کشید و به فعالیتهای سیاسی روی آورد. التحریر قصد داشت فعالیت سیاسی خود را در تاجیکستان بخصوص استان غد گسترش دهد. جامعه هدف التحریر در تاجیکستان استادان دانشگاه و دانشجویان بودند. میزان نفوذ این گروه در آموزش عالی استان شد به حدی زیاد بود که پس از اندکی توانستند بسیاری از استادان و دانشجویان را جذب حزب کنند. حزب التحریر در تاجیکستان به مهمترین مشکلات مردم از قبیل مهاجرت مردان تاجیک به روسیه، فساد مالی دولت، و کمبود نیازهای اساسی همچون انرژی می‌پردازد؛ مسائلی که رسانه‌های دولتی تاجیکستان نسبت به آن بی‌توجه بودند. تلاش حزب التحریر برای تشکیل حکومت اسلامی با قانون اساسی تاجیکستان که این کشور را یک جمهوری دموکراتیک و سکولار می‌داند در تعارض است. تعداد اعضای این حزب در تاجیکستان حدود چهار هزار نفر برآورد می‌شود که دارای تنوع قومی بوده و در برگیرنده اقوام تاجیک، ازبک، و روسی است (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۲۲ و اطاعت، کریمی، ۱۳۹۹: ۵۳۴).

بیشتر مقامات امنیتی و سیاسی این کشور، گروه‌هایی همانند حزب التحریر را به عنوان یک سازمان ضد قانون اساسی در نظر می‌گیرند که می‌تواند یک کشور ضعیف را تهدید کند. به اعتقاد آنها با

توجه به بافت و ساخت اجتماع در تاجیکستان، وجود چنین احزابی امکان‌پذیر نبوده و تهدیدی علیه امنیت ملی آن است. از این رو، در مجموع با رویکرد حزب التحریر و دامنه فعالیتش در تاجیکستان مخالف هستند و اقدام به دستگیری اعضا و طرفداران آن می‌کنند. ICG interview with senior (official, March 2003).

جمهوری قزاقستان

در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۱ جزوات این حزب در هزاران صندوق پستی در آلماتی پیدا شد که بسیاری آن را نشانه مبارزه طلبی التحریر دانستند. این حزب فعالیت خود را حتی در شمال قزاقستان گسترش داده است. شمال قزاقستان محل سکونت روسها و قزاق‌هایی است که اصطلاحاً «قزاقهای روسی شده» خوانده می‌شوند؛ یعنی کسانی که فرهنگ روس را در زندگی خود اجرا می‌کنند. در طی سال ۲۰۰۳، این حزب جزواتی تهیه کرد که به شدت از دولتهای آمریکا و انگلستان به دلیل نقششان در عراق انتقاد می‌کرد. با وجود آنکه این گروه ادعا می‌کند که در جنوب این کشور بالغ بر چند هزار عضو دارد، تحلیلگر امنیتی قزاق معتقد است که این گروه در سال ۲۰۰۴ در جنوب قزاقستان فقط دویست عضو داشته است. در ژوئیه ۲۰۰۳، یک افسر عالی رتبه اطلاعاتی از یک برآورد کرد که حزب التحریر در قزاقستان پنج هزار عضو دارد، اما به نظر می‌رسد چنین ادعایی بی پایه است. این گروه احتمالاً در جنوب قزاقستان دو هزار عضو داشته باشد. افزون بر این، نشانه‌ها گواه بر آن است که فعالیتهای التحریر در قزاقستان رو به فزونی نهاده است (اطاعت، کریمی، ۱۴۰۱: ۵۳۷).

دو کشور قزاقستان و قرقیزستان دیرتر از سایر دولتهای آسیای مرکزی با تهدیدهای افراط‌گرایی روبه‌رو شدند. در نتیجه، دولت قزاقستان با تصویب مجموعه‌ای از قوانین جدید تلاش کرد حوزه فعالیت‌های دینی را قانونمند سازد و با پیاده‌سازی قوانین، نظارت دولتی را بر فعالیت‌های سازمان‌های دینی شدیدتر کند. علاوه بر این، دولت تلاش کرد در نوع نگاه خود به این سازمان‌ها اولویتهایی قائل شود (Mahnovski and others, 2006: 9-15).

جمهوری قرقیزستان:

در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی، قرقیزستان اولین کشور منطقه بود که استقلال خود را اعلام کرد و با خوانش تقریبی از لیبرالیسم، مهره‌ای خارج از دایره حزب کمونیست را به ریاست جمهوری برگزید. در قانون اساسی که پیش از فروپاشی اتحاد شوروی بازنویسی شد، حکومت قرقیزستان

حکومتی مردم سالار و تک مجلسی اعلام شد و قدم های جدی به سوی سمت دموکراتیک شدن حکومت و رفتن به سوی ساختارهای غربی برداشت (جعفری، عزیزی، ۱۳۹۹:۱۰۱). اما این دولت نیز پس از تجربه انقلاب رنگی دیگر قائل به دفاع و تقویت مفاهیم ملی گرایی و مردم سالاری همچون روزهای اول استقلال نبود (جعفری، کولایی؛ ۱۳۹۹:۴۱).

حزب التحریر با استفاده از فضای نسبتاً باز دموکراسی در قرقیزستان فعالیت آشکارتر و گسترده تری در این کشور دارد، به طوری که طرفداران این حزب با راهپیمایی و تظاهرات خواستار انتخابات مجدد و تغییر در رژیم حاکم شده اند. در سالهای اخیر حزب التحریر در قرقیزستان گسترش بیشتری پیدا کرده است. با این حال این حزب در قرقیزستان غیرقانونی اعلام شده است. فعالیت حزب التحریر بر روی قشری متمرکز شده است که در تلاش هستند تا ایده ها و افکار شکل دهی خلیفه اسلامی مخصوصاً در جنوب کشور را احیا کنند، جایی که در آن بیشترین قسمت معتقدین را ازبک ها تشکیل داده اند (محمودی، لطیف اف، ۱۳۹۳:۶۷).

سیاست قرقیزستان در مورد اسلام به طور کلی، و به ویژه حزب التحریر به صورت مرحله ای پیش رفته است. در مقایسه با همسایه ازبکستان، نگرش مقامات قرقیزستان بسیار نرم تر است. اولین جرم معمولاً اخطار پلیس و جریمه ۵۰ دلار تا ۱۰۰ دلار آمریکا را شامل می شود. جرم بعدی ممکن است به مجازات زندان از سه تا پنج سال را منجر شود (Bishkek, 2002).

قرقیزستان نیز با تصویب قوانین جدیدی در سال ۲۰۰۸، محدودیت های بیشتری برای فعالیت سازمان های مذهبی ایجاد کرد. مؤسسه امور دینی قرقیزستان یک راهبرد خاص دینی را برای سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ پذیرفت که اولویت های خاصی برای همکاری با جوامع مسلمانان حنفی این کشور قائل شده بود. برخلاف این سیاست های محدودیت زا و کنترل کننده، سیاست های اولیه هر دوی این کشورها نسبت به گروه های دینی و به خصوص مسلمانان به مراتب آزادی های بیشتری برای آنان فراهم می ساخت. برای نمونه در ژانویه ۱۹۹۲ و یک ماه پس از استقلال، دولت قزاقستان با تصویب قانونی تلاش کرد فعالیت سازمان های مذهبی را قانونمند سازد. این رویکرد تا حد زیادی به احیای فعالیت های دینی در این کشور کمک کرد. با این حال با گذر زمان و نفوذ گروه ها و اندیشه های افراطی به این کشور، بخش های زیادی از جامعه تحت تاثیر تأثیر تفکرات افراطی قرار گرفتند (Mahnovski and others, 2006:9-15).

ترکمنستان نیز یکی دیگر از کشورهای واقع در آسیای مرکزی است که دولتمردان آن کنترل اداری شدیدی را بر اسلام و مسلمانان اعمال می نمایند. دولت نه تنها امور مذهبی را شدیداً تحت کنترل دارد، بلکه اغلب مسلمانان معتقد را اذیت می کند. در طول سال های حکومت نیازاف، ائمه جمعه و جماعات مجبور بودند در تمام مساجد نسخه هایی از کتاب روحنامه نیازاف را به نمایش بگذارند و در طی خطبه ها به نقل مطالبی از آن بپردازند. همین مسئله باعث شد تا حزب التحریر در این کشور نفوذ نماید. حوزه قلمرو خواهی التحریر در این کشور عمدتاً در مناطق از یک نشین در شمال این کشور است. در ژوئیه ۲۰۰۴، جزوات امضا نشده ای در عشق آباد توزیع شد که در آنها از مردم خواسته شده بود برای نابودی رژیم نیازاف قیام کنند. در این جزوات آمده بود: مردم ترکمن همیشه به خود می بالند که در برابر حاکمان مستبد ایستاده اند. اکنون وقت آن است که پرچمهای حق و عدل و داد برافراشته شود و رژیم غیرانسانی نیازاف ساقط شود (اطاعت، کریمی، ۱۴۰۱: ۵۳۸).

در نهایت باید گفت با توجه به نظام سیاسی موجود در ترکمنستان که نظام سیاسی تقریباً بسته و محدودی است، جریان های رادیکال اسلامی تقریباً وجود ندارد. تنها جریانات اسلامی در ترکمنستان به برگزاری نماز و مراسم های خاصی مانند ازدواج و طلاق و وفات ها مربوط است و اسلام چندان در بطن و متن زندگی سیاسی و اجتماعی مردم نمی باشد. دولت هم با محدودیتها و ممانعتهای ایجاد شده می خواهد مانع حضور دین در زندگی اجتماعی و سیاسی مردم این کشور شود. (فرقانی، ۱۳۹۴).

نتیجه گیری

حزب التحریر اگر چه در زمره گروه‌های رادیکال آسیای مرکزی است، اما رادیکالیسم آن بیشتر ایدئولوژیک است تا فیزیکی. یعنی حزب التحریر از دست زدن به اقدامات مسلحانه خشونت بار پرهیز کرده است

با توجه به ایده‌های رادیکال این گروه و ماهیت توطئه آمیز مبارزه سیاسی آن، قابل درک است که دولت‌ها نگران تأثیر آن بر ثبات هستند. اما غالباً دولت‌های منطقه، به ویژه ازبکستان، حزب التحریر را بهانه‌ای برای عدم موفقیت خود در انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهند.

به صورت کلی واکنش رژیم‌های آسیای مرکزی نسبت به فعالیت احزاب تندرو اسلامی بخصوص حزب التحریر واکنشی تقابلی و ستیزنده بوده است. در همین راستا این دولت‌ها از دو راهبرد تقابل سخت به معنای سرکوب خشن، زندانی و شکنجه کردن اعضای این حزب و راهبرد تقابل نرم، یعنی مقابله ایدئولوژیک از طریق تقویت جریان‌های اسلامی میانه رو در جامعه استفاده کرده اند.

منابع:

- خادم، مهدی (۱۳۸۲) حزب التحریر در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعاتی - پژوهشی نهضت، شماره ۱۳.
- ساید ازیموا، گل نوزا (۱۳۸۵) فعالیت حزب التحریر در آسیای مرکزی، مترجم یوسف محمودی، گاهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، دوره فروردین شماره ۹.
- نوایی، فرهاد، شاه علی، ملیحه (۱۳۹۱) حزب التحریر و آینده اسلام گرایی در آسیای مرکزی از نگاه غرب، دوفصلنامه ایران و اوراسیا، سال ششم، شماره هشتم.
- حضرتی، حسن، قادری، عبدالواحد (۱۳۸۹) اندیشه سیاسی حزب التحریر، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال دوم، شماره سوم.
- محمودی، یوسف (۱۳۸۵) دین و دولت در آسیای مرکزی، ماهنامه ایراس، شماره ۱۷.

- سنایی، مهدی (۱۳۸۵) اسلام در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعاتی روسیه آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره اول.
- آقائی، سید داوود و دمیری، محمدرضا (۱۳۹۳) بررسی نقش بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی مطالعه موردی ازبکستان، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۱۸.
- لینک، پیترو و ویتالی ناومکین (۱۳۹۰) آسیای مرکزی دو دهه پس از استقلال، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا.
- اشرفی، مرتضی (۱۳۹۹) واکاوی جریان‌های اسلامی در آسیای مرکزی، نشریه جریان‌شناسی دینی- معرفتی در عرصه بین‌الملل، دوره ۲، شماره ۴، ص ۹۷-۱۲۰.
- جعفری، ابوالفضل؛ کولایی، الهه (۱۳۹۹) تحول در مبانی مشروعیت سیاسی در آسیای مرکزی پسا شوروی، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، شماره ۲.
- اطاعت، جواد؛ کریمی، حسن (۱۳۹۹) حزب‌التحریر و حوزه نفوذ آن در آسیای مرکزی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۴، شماره ۵۴۳، ص ۵۲۵-۲.
- کریمی، حسن، ۱۳۹۷، ژئوپلیتیک، بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی، تهران: راز نمان.
- کاشانی، سید وحید (۱۳۹۴) مبانی معرفتی و کلامی جریان حزب‌التحریر، قم، نشر المصطفی.
- فصیحی، زکریا (۱۳۹۸) بررسی تطبیقی طالبان و حزب‌التحریر، فصلنامه اندیشه معاصر، سال پنجم، شماره هجدهم، ۲۸۷-۲۶۵.
- گروه بحران بین‌الملل (۱۳۸۳) اسلام رادیکال در آسیای میانه، واکنش به حزب‌التحریر، ترجمه احسان موحدیان، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۶- فرقانی، محمدرضا (۱۳۹۴) جریان‌های سیاسی - مذهبی میانه رو و تندرو در ترکمنستان، موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.

References:

- Mahnovski, Sergei, Kamil Akramov and Theodore Karasik (2006), "Economic Dimensions of Security in Central Asia", Project Air Force, Available at: <https://www.rand.org/pubs/monographs/MG417.html#download>, (Accessed on: 11/6/2018).

- Radical Islam In Central Asia: Responding To Hizb Ut-Tahrir- 30 June 2003- ICG Asia Report N°58- Osh/Brussels.
- Rashid A. (2002). Jihad: The Rise of Militant Islam in Central Asia. Connecticut: Yale University Press.
- Lenz-Raymann, K., (2014). Securitization of Islam: A Vicious Circle Counter-Terrorism and Freedom of Religion in Central Asia, Germany: Transcript Verlag
- J. Ruder. Maj Daniel. The Long War In Central Asia: Hizb-ut-tahrir” Caliphate. School Of Advanced Military Studies. 2005.pp: 21-22> {Article on- Line): Available At [http://mason.gmu.edu/~emcglinc/cssame McGlin final.pdf](http://mason.gmu.edu/~emcglinc/cssame%20McGlin%20final.pdf)
- Mac Cormac Sean (2015, June 3). Jihad in Post-Soviet Central Asia. Center for Security Policy. <https://www.centerforsecuritypolicy.org/2015/06/03/jihad-in-post-soviet-centralasia>.
- Brietrich Samantha. (2008, August 8). Central Asia: Hizb-ut-Tahrir on the rise. ISN ETHZ. Retrieved from [http://www.isn.ethz.ch Communities-and-Partners/Partner-Network/Detail/?lng=en&id=88668](http://www.isn.ethz.ch/Communities-and-Partners/Partner-Network/Detail/?lng=en&id=88668)
- Radical Islam in Central Asia: Responding to Hizb ut-Tahrir ICG Asia Report N°58, 30 June 2003
- Jacob Zenn and Kathleen Kuehnast, Preventing Violent Extremism in Kyrgyzstan, USIP.org, SPECIAL REPORT 355, 2014
- Violent Extremism in Central Asia 2018: A preliminary survey of groups, digital dimensions and state responses, The SecDev Group, Ottawa, Ontario, Canada.
- Karagiannis, Emmanuel and McCauley, Clark, (2006), “Hizb ut-Tahrir al-Islami: Evaluating the Threat Posed by a Radical Islamic Group That Remains Nonviolent”, Taylor & Francis Group, Terrorism and Political Violence, 18:315–334.

منابع اینترنتی:

شکاری، عبدالقیوم (۱۳۸۸) نگاهی به آخرین وضعیت گروه‌های اسلام‌گرای افراطی در آسیای مرکزی، سایت پیام آفتاب، قابل بازیابی در:

<http://www.payam-af-tab.com/fa/doc/article/7269/>

نظری بر آخرین وضعیت گروه‌های اسلامی در آسیای مرکزی (۱۳۹۶)، موسسه مطالعات راهبردی شرق،

قابل بازیابی در: <https://www.iess.ir/fa/translate/126>

اشرافی، مرتضی (۱۳۹۶) ازبکستان بعد از کریم اف و ترسیم جریان شناسی دینی سیاسی آینده، مرکز بین

المللی مطالعات صلح، قابل بازیابی در: <https://peace-ipsc.org/fa>

بهمن، شعیب (۱۳۹۵) اسلام در تاجیکستان نقش ایران و عربستان، اندیشکده راهبردی تبیین،

<http://tabyincenter.ir/11857/%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87-%D8%A7%DB%8C>

سایت مخاطرات تکفیر (۱۳۹۵/۰۳/۰۹) حزب التحریر ازبکستان، قابل بازیابی در:

<https://makhaterltakfir.com/fa/articleview/22>

شکاری، حسن (۱۳۹۷) نظری بر جوانب احیای نقش تاریخی ازبکستان در آموزش اسلامی، قابل

بازیابی در:

<https://www.iess.ir/fa/note/1577>